

خبر

ابتکار:

«آشوراده» را واگذار نکرده‌ایم

● **خبر آنلاین:** معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست گفت: «تفاهمنامه‌ای که با سازمان میراث فرهنگی درخصوص «آشوراده» امضا کردیم، موضوع گردشگری طبیعی در چارچوب و ضوابط سازمان حفاظت محیط‌زیست است. این تفاهمنامه به‌هیچ‌عنوان به معنی واگذاری آشوراده نیست.»
معضومه ابتکار در برنامه «اصل ۵۰» که هر هفته روزهای پنجشنبه از شبکه یک «سیمما» پخش می‌شود حاضر شد و درباره برخی از موضوعات زیست‌محیطی حرف زد.
رئیس سازمان محیط‌زیست درباره واگذاری «آشوراده» گفت: «در دوره قبل مسوولیت در سازمان حفاظت محیط‌زیست، مطالعه مناطق حفاظت‌شده را شروع کردیم و برای مناطق تحت مدیریت سازمان یک نقشه جامع مدیریتی تدوین شد چرا که شیوه مدیریتی مناطق به شکل ستی دیگر پاسخگوی نیاز جوامع به‌خصوص جوامع محلی نیست.»
به گفته ابتکار، مطالعات بیش از صد نقطه به اتمام رسیده است: «نقشه جامع آنها تهیه شده و در بسیاری از این نقاط، نقشه تفصیلی را هم تدوین کرده‌ایم اما متأسفانه این مطالعات در سال‌های گذشته نه‌تنها عملیاتی نشده است بلکه مورد توجه نیز قرار نگرفته و ما پس از بازنگری و به‌روزرسانی این مطالعات درصد اجرایی‌کردن آنها هستیم.» او گفت: «شاخص این مطالعات «زون‌بندی» است یعنی برای هرکدام از این مناطق پارک‌های ملی و از جمله آشوراده نقشه‌ای را تهیه کردیم و متخصصان براساس شرح خدمات مناطق «زون‌بندی» را تعریف می‌کند. یک «زون»، به‌عنوان «زون حفاظتی» و یک «زون»، به‌عنوان سیر آن «زون حفاظتی» و یک‌«زون» دیگر هم برای گردشگری متمرکز تعریف می‌شود. البته در صورتی‌که منطقه ظرفیت آن را داشته باشد، آن‌هم با شرایط خاص مربوط به هر منطقه این اقدامات انجام خواهد گرفت.»
رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به تفاهمنامه‌هایی که در سفرهای استانی خود منعقد می‌کند، گفت: «در حقیقت در تفاهمنامه‌هایی که با استانداران و استانداران به امضا می‌رسد، موضوع طرح مدیریت مناطق و اجرایی‌شدن آن نیز مطرح می‌شود. در تفاهمنامه‌ای که با سازمان میراث فرهنگی درخصوص آشوراده نیز امضا کردیم، موضوع گردشگری طبیعی در چارچوب و ضوابط سازمان حفاظت محیط‌زیست است. درواقع این تفاهمنامه به‌هیچ‌عنوان به‌معنی واگذاری آشوراده نیست بلکه ما درصد اجرایی‌شدن اکتوریسم در آن منطقه هستیم.»

صدرا محقق، شرق؛ عصر روز سه‌شنبه ۱۸آذر، در تالار «ابن‌خلدون» دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ نشست برگزار شد با عنوان «پدیدارشناسی فرهنگی یک مرگ». یکی از سخنرانان این برنامه، یوسف اباذری، جامعه‌شناس و دانشیار دانشگاه تهران بود که صحبت‌های او درباره «مرتضی پاشایی»، خواننده پاپ که اخیرا به‌دلیل بیماری سرطان درگذشت، بحث‌برانگیز شده است.

اباذری در صحبت‌های خود، موسیقی پاشایی و همچنین واکنش‌های گسترده گروهی از مردم به مرگ او را نقد کرد. در این نشست، البته تعداد دیگری از استادان دانشگاه و جامعه‌شناسی همچون حمیدرضا جلالی‌پور، محمدسعید ذکایی و جمعه‌الله فاضلی نیز حضور داشته و سخنرانی کردند. با این حال، صحبت‌های یوسف اباذری بیش از همه واکنش‌برانگیز شد.

اینکونه آغاز کرد: «اول با یک تذکر شروع می‌کنم، حدود یک ماه پیش فیلم مستندی با عنوان «ماهی‌ها در سکوت می‌میرند» از تلویزیون پخش شد که در آن نشان می‌داد مردم سیستان و بلوچستان در حال مرگ هستند، بچه‌های‌شان را بغل می‌کنند و چون جایی را ندارند بروند در راه‌ها می‌میرند، دیوانگان و مجانینی که زیر فشار زندگی دیوانه شده‌اند در سطح شهر پراکنده‌اند، با بعضی‌شان صحبت می‌کرد. مردم غذا ندارند که بخورند. تمام مسوولان استانی که صحبت می‌کردن می‌گفتند اگر دولت تا دوماه دیگر به اینجا نرسد این استان خواهد مرد،

این فیلم را تلویزیون نشان داد و نکته جالب برای من این است که هیچ کس، هیچ کس به این فیلم هوسکت‌ترین توجهی نکرد و حتی شما هم که اینجا هستید نمی‌دانید که چنین فیلمی ساخته شده و نمایش داده شد.

این فیلم درباره زندگی و مرگ استانی است که زمانی فراهم‌کننده گندم این مملکت بود. بنابراین می‌خواهم بگویم که مودهای اجتماعی چه شکلی می‌آیند و می‌خواهند مسایل واقعی را که ما با آنها مواجه هستیم، از ذهن ما ببرند. اما این مودها حقیقی‌اند. واقعی‌اند.»

اباذری سپس در تحلیل پدیده مرتضی پاشایی، اینگونه سخن گفت: «این آقای که عکسش را اینجا زده‌اند و چراغ‌ها را تاریک کرده‌اند، یک خواننده پاپ بود و پاپ در سیر موسیقی، مبتذل‌ترین نوع موسیقی است... کسانای می‌گویند موسیقی او را تحلیل نکن، چطور من می‌توانم موسیقی کسی را که مرده است تحلیل نکنم؟ من داده‌ام یک موسیقیدان، فرمت موسیقی او را تحلیل کرده... مبتذل محض است! ما [موسیقی] پاپی داریم که پیچیده است. این ساده‌ترین، مسخره‌ترین و بدترین نوع موسیقی است. صدای فالش، موسیقی مسخره، شعر مسخره‌تر. بنابراین من چطور می‌توانم چنین چیزی را تحلیل نکنم؟»

او همچنین افزود: «برای من خیلی جالب است که یک ملتی می‌افند به ابتذال و در مجلس تحريم چنين خواننده‌ای شرکت می‌کنند و توی سرشان می‌زنند... و یکفر در فیس‌بوک می‌نویسد که «من تا ابد می‌سوزم»... چرا مردم ایران به این افلاس افتاده‌اند؟ چطور مردم ایران به این فلاکت افتاده‌اند؟ اینجاست که تحلیل خیلی مهم است. برای این کار اتفاقاتی رخ داد؛ ابتدا دولت با حکومت بر مبنای یک‌سری فعل‌وانفعالات سیاسی ترجیح داد تا یک‌سری ورزشکار را بیاورد چون فکر می‌کرد که اینها محبوبیت مردمی دارند، محبوبیت اینها بر مبنای همین محبوبیت مبتذلی است که

واکنش‌ها به تحلیل اباذری از پدیده پاشایی

وجود دارد. کشتی‌گیر و کاراته‌کار را چی‌اندند در مجلس و شورای شهر تا یک عده سیاستمدار را بیرون بکنند. مرحله دوم که شروع شد بازیگران آن نشان می‌داد مردم سیستان و بلوچستان در حال مرگ هستند، بچه‌های‌شان را بغل می‌کنند و چون جایی را ندارند بروند در راه‌ها می‌میرند، دیوانگان و مجانینی که زیر فشار زندگی دیوانه شده‌اند در سطح شهر پراکنده‌اند، با بعضی‌شان صحبت می‌کرد. مردم غذا ندارند که بخورند. تمام مسوولان استانی که صحبت می‌کردن می‌گفتند اگر دولت تا دوماه دیگر به اینجا نرسد این استان خواهد مرد، این فیلم را تلویزیون نشان داد و نکته جالب برای من این است که هیچ کس، هیچ کس به این فیلم هوسکت‌ترین توجهی نکرد و حتی شما هم که اینجا هستید نمی‌دانید که چنین فیلمی ساخته شده و نمایش داده شد.

این فیلم درباره زندگی و مرگ استانی است که زمانی فراهم‌کننده گندم این مملکت بود. بنابراین می‌خواهم بگویم که مودهای اجتماعی چه شکلی می‌آیند و می‌خواهند مسایل واقعی را که ما با آنها مواجه هستیم، از ذهن ما ببرند. اما این مودها حقیقی‌اند. واقعی‌اند.»

اباذری سپس در تحلیل پدیده مرتضی پاشایی، اینگونه سخن گفت: «این آقای که عکسش را اینجا زده‌اند و چراغ‌ها را تاریک کرده‌اند، یک خواننده پاپ بود و پاپ در سیر موسیقی، مبتذل‌ترین نوع موسیقی است... کسانای می‌گویند موسیقی او را تحلیل نکن، چطور من می‌توانم موسیقی کسی را که مرده است تحلیل نکنم؟ من داده‌ام یک موسیقیدان، فرمت موسیقی او را تحلیل کرده... مبتذل محض است! ما [موسیقی] پاپی داریم که پیچیده است. این ساده‌ترین، مسخره‌ترین و بدترین نوع موسیقی است. صدای فالش، موسیقی مسخره، شعر مسخره‌تر. بنابراین من چطور می‌توانم چنین چیزی را تحلیل نکنم؟»

او همچنین افزود: «برای من خیلی جالب است که یک ملتی می‌افند به ابتذال و در مجلس تحريم چنين خواننده‌ای شرکت می‌کنند و توی سرشان می‌زنند... و یکفر در فیس‌بوک می‌نویسد که «من تا ابد می‌سوزم»... چرا مردم ایران به این افلاس افتاده‌اند؟ چطور مردم ایران به این فلاکت افتاده‌اند؟ اینجاست که تحلیل خیلی مهم است. برای این کار اتفاقاتی رخ داد؛ ابتدا دولت با حکومت بر مبنای یک‌سری فعل‌وانفعالات سیاسی ترجیح داد تا یک‌سری ورزشکار را بیاورد چون فکر می‌کرد که اینها محبوبیت مردمی دارند، محبوبیت اینها بر مبنای همین محبوبیت مبتذلی است که



کرد. واقعیت هیچ‌وقت یکدست نیست. پاشایی، نه مرگش، نه موسیقی‌اش و نه واکنش‌ها به مرگش یک‌دست نبود. خانمی که اعتراض کرد هم همین روزندگان و خوانندگان پاپ بودند، خانم هدیه خواننده رفته بودند، برای مرگ پاشایی نیامده بودند. مرگ پاشایی افراد را تبدیل به مردم کرد. موسیقی از جنس صدا بود و مردم می‌خواستند در آن مراسم صدای خودشان را منتشر کنند. مرگ او، گوش‌زدکننده مرگ خیلی‌های دیگر است و در صورت ازبین‌رفتن، ممکن است واکنش‌های بزرگ‌تری را در پی داشته باشد. این نمایش، نمایش پاشایی نبود، نمایش چیزی دیگر است. درباره نقد اباذری به این پدیده باید بگویم که نقد و تحلیل ما از پدیده‌ها طبیعتا بعد از رخ‌دادن آنها صورت می‌گیرد، اما باید در نظر داشت که پدیده‌ها پیچیده هستند. اما باید در نظر داشت که اگر به درستی موضوعی پرداخته شود، موج هم اباذری خواهد کرد.در این مورد خاص، اینکه همه توجه کرده‌اند و بحث ایجاد کرده، برخی از آن ناشی از رفتار آقای اباذری و خارج از قاعده‌بودن رفتار او بوده. اگر او هم به‌صورت معمولی این‌پدیده را تحلیل می‌کرد، در آن صورت این جلسه هم یک جلسه معمولی می‌شد با حرف‌هایی معمولی، بدون هیچ واکنش و بازخوردی. البته دیدگاه اباذری در تحلیل پدیده‌ها متفاوت است، اما نوع بیان، نوع برخورد و چگونگی گفتن همه کنشی را ایجاد می‌کند.

اباذری از معدود جامعه‌شناسان واقعا جامعه‌شناس ماست. اما نکته اینجااست که اگر این تحلیل‌ها در حد همین جلسه و حرف‌های طرح‌شده او در این جلسه و حواشی آن باقی بماند، خود اباذری هم تبدیل به یک پاشایی می‌شود. باید لایه‌های عمیق‌تر بحث، بررسی شود. باید جزئیات لایه‌های درونی بحث طرح‌شده توسط اباذری شککافی شود. واقعیت این است که جامعه ما به‌سرعت پدیده‌ها را تبدیل به مناسک و کپ می‌کند و مثل موادمخدر، ذهن‌های ما را چند روزی درگیر این بحث‌ها می‌کند و با درگیرکردن خودمان با آنها تصور می‌کنیم جهان را تغییر داده‌ایم. در حالی که پس از رخ‌دادن خماری پایان جو ناشی از این مباحث، خواهیم دید در واقعیت هیچ چیزی تغییر نکرده و ما منتظر می‌مانیم برای جو و بحث جدید و درگیری جدید.

آذر تشکر: وارد نقد اصل صحبت‌های اباذری در رابطه با پدیده پاشایی نمی‌شوم، اما به نظرم شیوه طرح مساله از سوی او و همین‌طور نگاهی به وضعیت جامعه‌شناسی ما از همین منظر، نیازمند بررسی و تحلیل است.

سخنان اباذری در این‌مورد خاص و واکنش

گسترده به حرف‌های او را وقتی در کنار این ماجرا می‌گذاریم که کلیت جامعه جامعه‌شناسان ما درباره واضح‌ترین رویدادها، حتی آن بخشی که مستقیم به خودشان ارتباط دارند – مثلا درباره موج قلب علمی در دانشگاه‌ها – ساکت هستند و واکنشی نشان نمی‌دهند، صحبت‌های اباذری را باید بدون تأثیر مثبت و به‌صورت کلی حساب کرد و آن را صرفا یک واکنش شخصی به یک موضوع خاص دانست. یعنی وقتی صداها کار نکرده وجود دارد، پرداختن به این یک مورد، دردی را دوا نمی‌کند و جامعه‌شناس به این شکل بین مردم نمی‌آید.

واقعیت این است که در میان اغلب جامعه‌شناسان ما، نوع پرداختن به ماجراها، بدون خلاقیت است و حرف تازه‌ای مطرح نمی‌شود. پدیده‌ها را از منظر کارمندی تحلیل می‌کنیم، در چنین وضعیتی، طبیعی است که توجه کسی را برنمی‌انگیزد و موجی ایجاد نمی‌کند چون جامعه‌شناسان، نقش خودشان را خوب ایفا نکرده نمی‌کنند. یعنی به شکل‌گیری و تحلیل امر عمومی در جامعه کمک نمی‌کنند و اساسا، چنین نقشی را برای خود قابل نیستند. البته می‌دانم که مشکلاتی در این رابطه وجود دارد، نوع برخورد و مرادوه آنها با دولت، اینکه همه آنها رفته‌اند در آکادمی‌ها نشست‌ه‌اند و ما درواقع جامعه‌شناس خارج از آکادمی نداریم، همه در شکل‌گیری چنین وضعیتی دخیل هستند. حاصل چنین وضعیتی این می‌شود که جامعه‌شناسان ما از تعریف و شکل‌گیری امر عمومی ناتوان هستند. اگر گفته شود جامعه‌شناسان ما کار خودشان را می‌کنند اما جامعه واکنشی نشان نمی‌دهد، من می‌گویم اتفاقا جامعه ما آقدر خالی است که اگر به درستی موضوعی پرداخته شود، موج هم اباذری خواهد کرد.در این مورد خاص، اینکه همه توجه کرده‌اند و بحث ایجاد کرده، برخی از آن ناشی از رفتار آقای اباذری و خارج از قاعده‌بودن رفتار او بوده.

اگر او هم به‌صورت معمولی این‌پدیده را تحلیل می‌کرد، در آن صورت این جلسه هم یک جلسه معمولی می‌شد با حرف‌هایی معمولی، بدون هیچ واکنش و بازخوردی. البته دیدگاه اباذری در تحلیل پدیده‌ها متفاوت است، اما نوع بیان، نوع برخورد و چگونگی گفتن همه کنشی را ایجاد می‌کند.

بخشی از آن مربوط به خلاقیت در بیان آن است. چیزی که جامعه‌شناسان دیگر ندارند، چون در چارچوب‌ها و عادت‌هایی در حال کار هستند که رهاشدن از آن برایشان سخت است. جامعه‌شناسی اداری و دولتی یا جامعه‌شناسی صرفا آکادمیک، جامعه‌شناسی‌ای است که به شکل‌گیری امر عمومی کمک نمی‌کند و اصلاح نگرش‌های جامعه را دغدغه خود نمی‌داند.گفتنی است، طیف گسترده‌ای از مخاطبان نیز در شبکه‌های اجتماعی در مخالفت و موافقت با صحبت‌های طرح‌شده از سوی این جامعه‌شناس اظهارنظر کرده‌اند. آرمان ذاکری از کاربران «فیس‌بوک» در مطلبی نوشته است: «کانون نقد اباذری اینجااست که چگونه جامعه به خود حق می‌دهد، اینقدر برای مرگ پاشایی اهمیت قابل‌شود اما برای امیرک هرروز انسان‌ها در اثر نابرابری‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی هیچ اهمیتی قابل‌نشود؟ مرگ پاشایی چه «فصلی» بر مرگ دختر جوانی دارد که در روستایی در غرب کشور خودسوزی کرده یا نوزاد بی‌خانمی که از شدت سرما کنار خیابان می‌میرد؟ یا فرزندان بلوچ یا... اباذری حق انتخاب را نفی نمی‌کند، ارزش انتخاب را نقد می‌کند.»

مردمش را می‌شود از مدهای به‌روز پشت وپترین‌ها فهمید و از زبانه‌هایی که شب در حرم شهر سرگرداند، ورود میلیونی زایران، شرایط «کرپلا» را از این که هست پیچیده‌تر هم می‌کند؛ هیچ‌کوپهای در شهر پی مسافر نمی‌ماند، هیچ هتل، مسافرخانه و فندقوقی جا برای میهمانان ندارد. بخش عمده‌ای از جمعیت، سرنپاهی برای خود در حاشیه خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌سازند. شنب‌ها، باران می‌آید و اگر باران هم نباشد، هوا سوز گرینی دارد. مردم سعی می‌کنند پیدار بمانند؛ در نذری‌ها شرکت کنند، به حرم بروند و در «بین‌الحرمین» قدم بزنند. ظهر شنبه، پایان ۴۰روز سیاه‌پوشی برای سالار شهیدان است و پایان سفری که نقطه آغاز و انجامش، «کرپلا»ست. جاده‌های خروچی به سمت «نجف»، «کاظمین» و«بغداد» دوباره شلوغ می‌شوند، دوباره کامیون‌ها و تریلی‌ها پر از مسافرانی می‌شوند که در حال پیمیز جمعیت به سوی شهرهای دیگر هستند.

در احادیث آمده که تنها حرمی که زیارت آن با روی نشسته و خاک‌آلود، ثواب دارد، حرم امام سوم شیعیان است و این را فقط در «کرپلا» می‌شود کشف کرد که چطور خستگی سهروز سفر پیاده، در دیدار با آن ضریح، فروکش می‌کند. بیان سفر ۱۵میلیون مسافر، «کرپلا» را بار دیگر تنها می‌کند با آینده‌ای که هتل‌های نوساز، طرح توسعه حرم، مساله آب «فترات» و... آن را شکل خواهند داد. زایران ایرانی، در مسیر برگشت، مدام می‌پرسند: آیا سال بعد هم می‌توانند بی گذرنامه و «ویزا»، راهی حرم امام‌شان شوند؟ اگر این اتفاق، بار دیگری بیفتد سال بعد، سال یک‌رکورد مسافرتی برای «کرپلا»ست!

خبر

برف‌وباران درراه‌است

● مدیر پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی کشور ضمن تشریح آخرین پیش‌بینی‌ها از شرایط جوی کشور از ورود سامانه بارشی از شمال‌غرب به کشور خبر داد. احد وظیفه ضمن بیان این مطلب گفت: «براساس آخرین نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی، در روز یکشنبه برای مناطق وسیعی از شمال غرب و غرب و به تدریج سواحل غربی دریای خزر بارش پیش‌بینی شده است.»
اظهار کرد: «این بارش‌ها در ارتفاعات به صورت برف خواهد بود.» به گفته وظیفه، از صبح روز دوشنبه دامنه بارش شمال غرب، غرب، دامنه‌های مرکزی زاگرس، دامنه‌های غربی البرز و نیمه غربی سواحل جنوبی دریای خزر را فراخواهد گرفت و در بعدازظهر این روز به جنوب غرب کشور خواهد رسید.

مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی کشور با بیان اینکه «این سامانه روز سه‌شنبه در کل نیمه غربی کشور فعال خواهد بود»، گفت: «همچنین برابر آخرین پیش‌بینی‌ها طی روزهای شنبه و یکشنبه، دریای عمان موج خواهد بود.» وی با بیان اینکه «براساس نقشه‌های پیش‌یابی از بعدازظهر شنبه سامانه بارشی از سمت شمال غرب وارد کشور شده و سبب بارش باران، در برخی نقاط رعد و برق و وزش باد و در مناطق مرتفع و سردسیر بارش برف می‌شود»، گفت: «روز یکشنبه نیز در شمال غرب و بخش‌هایی از غرب این وضعیت تداوم خواهد داشت و این سامانه روز دوشنبه علاوه بر شمال غرب و غرب، غرب دریای خزر، مناطقی از جنوب غرب، استان‌های واقع در دامنه‌های مرکزی زاگرس و دامنه‌های غربی البرز را در بر می‌گیرد.»

وظیفه با بیان اینکه «در روز سه‌شنبه نیز علاوه بر نواحی ذکر شده، دامنه‌های مرکزی البرز و بخش‌هایی از دامنه‌های جنوبی زاگرس تحت تأثیر این سامانه قرار خواهد گرفت»، گفت: «بر این اساس وضع هوای کشور از بعدازظهر شنبه در استان‌های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی همراه با بارش باران، وزش باد، برخی نقاط رعد و برق و در نقاط مرتفع و سردسیر بارش برف خواهد بود و در روز یکشنبه نیز برای استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، زنجان و اردبیل بارش باران و برف و وزش باد پیش‌بینی شده است.»

مدیر کل پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی کشور با اشاره به وضعیت هوای تهران اظهار کرد: « بر این اساس، آسمان تهران در روز شنبه کمی ابری درباره‌ی نقاط غبارصحرگاهی و دربعدازظهر افزایش ابر و گاهی وزش باد پیش‌بینی می‌شود و حداقل و حداکثر دما در این روز ۶ و ۱۵درجه سانتیگراد خواهد بود. در روز یکشنبه نیز آسمان پایتخت نیمه‌ابی درباره‌ی نقاط وزش باد، در اواخر وقت ابری با احتمال بارش همراه خواهد بود و حداقل و حداقل و حداکثر دما در این روز به ۶ و ۱۴ درجه سانتیگراد خواهد رسید.»

تصمیم‌رضازاده‌پس‌از پایان ضرب‌الاجل وزیرورزش‌چه‌خواهد‌بود؟

● غیبت‌های پی‌درپی مرد سنگین‌وزن شورای شهر تهران صدای وزارت ورزش و جوانان را نیز درآورد و حالا گودرزی از ضرب‌الاجل یک‌هفته‌ای در حسین رضازاده خبر می‌دهد. دوم شهریور امسال بود که صحبت‌های محمود گودرزی در مقام وزیر ورزش و جوانان در نشست خبری‌اش خبرساز شد. او در میان خبرنگاران در مورد دوشغله‌بودن مدیران ورزشی همچون حسین رضازاده (رئیس فدراسیون وزنه‌برداری) هشدار داد.

وزیر ورزش و جوانان با اشاره به تذکراتی داده‌شده به رئیس فدراسیون وزنه‌برداری، خاطرنشان کرد: من تاکنون دوبار به رضازاده تذکر داده‌ام که هرچه سریع‌تر یکی از سمت‌های خود را رها کند. اما تاکنون جوابی از سوی ایشان دریافت نکرده‌ام.

پس از اظهارات وزیر ورزش و جوانان، حسین رضازاده اعلام کرد: دوره ریاست من در فدراسیون وزنه‌برداری اسفندماه سال جاری تمام می‌شود. وی همچنین افزود: تا اسفندماه زمان زیادی باقی مانده ولی زمانی که من برای انتخابات شورای شهر تهران کاندیدا شدم، باید چنین قانونی را اعلام می‌کردند تا دیگر در انتخابات شرکت نکنم.

رئیس فدراسیون وزنه‌برداری خاطرنشان کرد: من تابع قانون هستم و وزیر ورزش نیز حق دارد، اما اگر قرار به انتخاب باشد در نهایت وزنه‌برداری را انتخاب خواهم کرد.

رضازاده را شاید بتوان غایب همیشگی شورا دانست؛ مردی که صداپیش کمتر به گوش خبرنگاران و حتی اعضای شورا رسیده و تنها در موقع رایی گیری (اگر هم باشد)، تنها با بلندکردن دست‌های اتکفا می‌کند.

حالا محمود گودرزی، وزیر ورزش و جوانان از ضرب‌الاجل یک‌هفته‌ای به سنگین‌ترین مرد شورا خبر داد و اعلام کرد: من اخیرا به او و معاون ورزش قهرمانی کتیا نامه زده‌ام که از آقای‌رضازاده بخواهید یک جا را انتخاب کنید. او نیز تا آخر هفته ملزم است پاسخ دهد.

گزارش «شرق» از مراسم «اربعین»

«کرپلا»: شهر رکورددار

تاجیکستان و عرب‌های سرزمین‌های دیگر. جمعیت در نیمه‌جنوبی عراق قل می‌زند. از همه‌سو، چون رگ‌های تن به سمت «کرپلا» می‌روند و تا سرزمین قتلگاه خون خدا.

شهرها از پیش آماده شده‌اند اما حتی بهترین آمادگی‌ها هم همیشه کم‌وکسری‌هایی دارد؛ در نجف مشکل اصلی کمبود امکانات است و باران ناسازگار که شب‌ها زایران کنار حرم شیر خدا را خیس می‌کند. حسینه‌ها، موکب‌ها و جایگاه‌های ویژه

سعید برآبادی: مرزها باز شده‌اند و شرایط سخت قبلی کمی آسان‌تر شده، پیش‌بینی‌ها هم تا حدی درست از آب درآمده؛ اربعین در «کرپلا» لاقبل ۱۵میلیون‌زائر دارد. کشور درگیر با جنگ در حال تجربه شرایطی عجیب‌وغریب است؛ شهرهای کوچک و کویری و کم امکاناتش حالا باید جمعیتی را میزبانی کنند که شاید چندبرابر ساکنان خودشان است. از همه مرزهای ایران، زایران خودشان را رسانده‌اند؛ از مهران، از شلمچه، از باشماق و حتی از جزایره. اصفهانی و مشهدی و تهرانی، اراکی و تبریزی و بندری، همه آمده‌اند و به همان اندازه هم ترک‌های ترکیه و آذربایجان، فارس‌های افغانستان و



شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

شرکت خطوط لوله و مخازیرات نفت ایران

الف – مناقصه گاز: شرکت خطوط لوله و مخازیرات نفت ایران – مدیریت کالا

ب – شرح مختصر کالا: خرید ۸۰۰ عدد کیسول خاموش کننده ۲۵ پوندی پودری

بالتا بقل تحت تقاضای A/۱-TR/۲۰۰۳۸-ZPD

ج – معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران : توان مالی، ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت، استانداردهای تولید، ارزیابی دانش و تجربه، حسن سابقه، تضمین کیفیت ، نظام کیفیت و حداقل امتیاز قابل قبول ۶۰ امتیاز می باشد .

د – بودجه برآوردی : ۰۰۰/۰۰۰/۸۰۰ ریال

هـ – زمان و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی : کلیه تولید کنندگان (منوط به دارا بودن استاندارد داچباری) و تامین کنندگان داخلی می توانند بادر دست داشتن معرفی نامه رسمی تا ظرف ۵ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم به استثناء روزهای پنج شنبه و جمعه به آدرس تهران ، خ استاد نجات الهی ،خ سپند شرقی ، پ ۲۴ ، طبقه سوم ، اتاق ۳۱۰ مراجعه و اسناد را دریافت نمایند .

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه گران جهت مناقصه عمومی دومر حله ای

نوبت دوم

به شماره (۹۳/۱۳۰/۱۱۴۲) شماره مجوز (۴۲۲۱۹۶)

www.shana.ir

www.ioptc.ir

روابط عمومی